

واکاوی فرایند نهاده‌سازی نظارت اجتماعی در مدیریت و شکوفایی فرهنگ وقف

رضاگودرزی^۱ علی اصغر اسلامی تنها^۲

چکیده

اساس و محور شکوفایی هر نظام پیشرفته برای گذر از چالش‌ها، نیازمند نظارت و توجه دقیق به لایه‌های حساس کنشی (رفتاری) است، چراکه بالندگی هر جامعه موقی رهون مدیریت کارآمد است. نهاد وقف، تحت تأثیر بی‌توجهی به ارکان نقش‌آفرین آن و به دلایل ضعف معرفتی و نظارتی کم‌رنگ شده و ظرفیت‌های بالقوه این نهاد برای جامعه‌سازی درسراشویی افول قرار گرفته است. این نوشتار ضمن واکاوی عوامل مؤثر بر نهاده‌سازی نظارت اجتماعی با توجه به وضعیت مطلوب، درصدد ارائه فرایندی کارآمد برای توانبخشی نظارت اجتماعی در بقا و شکوفایی فرهنگ وقف با استفاده از روش تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین است، تا به ارائه الگویی برای نظارت اجتماعی در مدیریت و شکوفایی فرهنگ منتج گردد. پژوهشگر با بررسی چالش‌های مختلف در این زمینه و تحلیل آن‌ها، سعی دارد مؤلفه‌ها و ادبیات تحقیقات مرتبط را اخذ کند و در نهایت، به تعریفی دقیق از نظارت اجتماعی پردازد تا از پی آن، راهکارهایی را برای حفظ و ماندگاری این نهاد ارزشمند بیابد.

■ واژگان کلیدی

موقوفات؛ نظارت؛ نهاد؛ مدیریت؛ مشارکت.

۱. دانش آموخته دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، نویسنده مسئول rezagodarzi35@gmail.com

۲. استادیار گروه فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم islamitanha12@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

۱. مقدمه

دنیای کنونی به عرصه چالش فرهنگ قدیمی و مبتنی بر خاستگاه‌های اعتقادی و محصول تجارب تاریخ گذشته با فرهنگ جدید و ناشی از تحولات عظیم علم و دانش و تجددگرایی بدل شده است. نهاد وقف به عنوان یکی از سازوکارهای باصالت و قدیمی جهت حضور نهادمند دین در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی بر پایه انفاق مال قابل بقا و انتفاع مستمر و استفاده متناوب از منافع آن در امور خیریه ایجاد شده، با این هدف که مال موقوفه از هرگونه نقل و انتقال ارادی و قهری و سایر تصرفات مصون بماند. امروزه عدم توجه به ارزش‌های واقفان منجر به کاهش مقبولیت و اقبال به سازمان اوقاف گردیده و مصلحت بقا و ترویج این نهاد ارزشمند در جامعه اقتضا می‌کند که با بهره‌گیری از اصول مدیریت کارآمد و مؤثر با توجه به ابعاد نظارتی، اعتماد مردم به نحو موثرتری جلب شود. بنابراین هدف اصلی این پژوهش، اکتشاف مسیر و الگویی با خطمشی کارآمد، برای اعتباریابی هرچه بیشتر سازمان اوقاف است و این امر از طریق توان بخشی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی و تبدیل سازمان اوقاف به نهاد وقف میسر می‌شود. بنابراین، و به منظور تحقق این هدف غایی، می‌بایست بسترها و زمینه‌های لازم پدیدآوری این مهم فراهم آید که طبیعتاً و بنابر آنچه گفته آمد، توجه به فرایند نهادینه‌سازی و شاخصه‌های نظارتی آن از مهم‌ترین این بسترها به شمار می‌رود. این پژوهش با هدف بررسی و بازشناسی فرایند نهادینه‌سازی نظارت در مدیریت و شکوفایی فرهنگ وقف سامان یافته است و در نهایت به سؤالات ذیل پاسخ مناسب می‌دهد.

سؤالات تحقیق

۱. فرایند نهادینه‌سازی نظارت در مدیریت و شکوفایی فرهنگ وقف چگونه سامان می‌یابد؟
۲. چگونه می‌توان الگویی کارآمد برای نهادینه‌سازی نظارت و رشد فرهنگ وقف ارائه نمود؟

۲. پیشینه پژوهش

نگرش اقتضایی به الگوی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی با رویکرد تطبیقی در زمینه موقوفات و استفاده از ظرفیت آن در تقویت فرهنگ وقف، در قالب هیچ اثری به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. لذا این پژوهش برآن است تا با نگرشی اقتضایی به فرایند نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی، نقش آن را در فرهنگ وقف بررسی کند. البته در موضوع وقف پژوهش‌های زیادی صورت گرفته و به بررسی ابعاد مختلف آن از قبیل مباحث مدیریتی، نظارتی و کارکردی پرداخته شده است. به طور مثال، جدیدترین اثر مرتبط که به استخراج الگویی از مبانی فقهی وقف همت گمارده، پژوهش ناصر جهانیان ۱۳۹۹ است که با اشاره به

راهکارهای اصلاح نهاد وقف از دید فقه وقف، به تبیین وقف و تمایزهای آن از دیگر نهادهای خیرخواهانه پرداخته و چالش‌هایی را که فقه مدون وقف با آن روبه‌رو است بررسی نموده است. این اثر با پاسخ‌های اجتهادی به آن‌ها کوشیده تا الگوی مطلوب عملیاتی و واقع‌گرایانه نهاد وقف را ارائه نماید. این پژوهش، هرچند از حیث بررسی مسائل جدید فقهی مدیریت موقوفات اثری نو به شمار می‌رود، اما از حیث اقتضایی به بررسی ظرفیت‌های فرایند نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی در موقوفات برای تقویت فرهنگ وقف نپرداخته است.

یاوری (۱۳۹۹) از زاویه دید مدیریتی به آسیب‌شناسی الگوی درآمدزایی موقوفات پرداخته و آسیب‌هایی را که منجر به عدم بهره‌وری موقوفات می‌گردد مورد واکاوی قرار داده و در نتیجه، با توجه به ابزار، طراحی سامانه‌های نظارتی و تقویت رویکرد نظارتی را پیشنهاد کرده است. این پژوهش فاقد نگرش اقتضایی به الگوی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی در موقوفات است و همین‌امر وجه تمایز آن با پژوهش حاضر به شمار می‌رود. سید مجتبی کیا (۱۳۹۸)، ضمن توجه به مبانی فقهی نظارت حکومت در موقوفات، اثبات کرده است که حاکم شرع در بسیاری از مسائل وقف حق دخالت دارد. این پژوهش از جهت فقدان رویکرد تطبیقی نسبت به استفاده از مبانی برای حل مسائل جاری فرهنگ وقف دارای مشکل است که در پژوهش حاضر، با رویکردی جدید به حل مسئله پرداخته می‌شود. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸)، با نگاهی صرفاً تاریخی، به تحولات مدیریتی نهاد وقف در طول تاریخ در ایران پرداخته و با رویکردی کارکردی، سیر تحول نهاد وقف در ایران اسلامی را بررسی پ و آن را با دوران معاصر مقایسه نموده است. مسعود امامی (۱۳۹۵) ابعاد فقهی دخالت دولت اسلامی در امور مربوط به موقوفات را مورد واکاوی قرار داده و در نهایت، با محوریت استقلال موقوفات، نظارت استطلاعی دولت اسلامی را می‌پذیرد. لکن از جهت توجه به کاربست دستاوردهای الگوی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی جهت تقویت فرهنگ وقف دارای نقصان است. پژوهش حاضر، ضمن پایبندی به مبانی فقهی، از این زاویه به حل مسئله می‌پردازد که به‌نوبه خود رویکردی جدید به فرهنگ وقف به شمار می‌رود. الینور استرم (۱۳۹۴)، با تمرکز بر مفهوم نهادها و انعطاف‌پذیری آن‌ها، بر روی چگونگی تأثیر قواعد بر ساختار محیط کنش تمرکز کرده و به چگونگی استفاده از نهادها برای ارائه تبیین‌هایی در مورد رفتار انسان در موقعیت‌های گوناگون پرداخته است. اما توجه به مبانی حکمرانی مدرن و سازگاری سیاست‌گذاری با فلسفه سیاسی مدرن مشکل اساسی آن به شمار می‌رود. ترابی شهرضای (۱۳۹۷)، با رویکردی فقهی به موضوع مدیریت موقوفات پرداخته و با برجسته‌سازی جنبه‌های نظارتی، یکی از مناصب ولی فقیه

در زمان غیبت را تولیت و نظارت بر موقوفاتی می‌داند که از سوی واقف برای آن‌ها ناظر و متولی تعیین نشده. فقدان رویکرد تطبیقی نسبت به بسط کارکردهای مبانی فقهی نظارت اجتماعی در جهت تقویت فرهنگ وقف از خلأهای این پژوهش به شمار می‌رود. وحید یآوری (۱۳۹۱)، با توجه به جنبه‌های مدیریت عملکرد سازمانی سازمان اوقاف، مدلی در راستای تأمین رضایتمندی ذی‌نفعان طراحی کرده است. هرچند این پژوهش در موضوع خود بدیع است، لکن توجهی به کاربست‌های فرایند نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی در راستای تقویت فرهنگ وقف نکرده است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. وقف

برای واژه «وَقَفَ» جمع وُقُوف، لغویان معانی گونه‌گونی برشمرده‌اند: درنگ کردن، سر پا نگه داشتن، ایستادن و آرام گرفتن (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۵)، ضدّ جلوس، حبس (ابن‌منظور، ج ۹: ۳۵۹). اما راغب اصفهانی کلمه «حبس» را جمع «احباس» و به معنای چیزی را وقف دائمی کردن در راه خداوند متعال دانسته است (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۶). آنچه جلب توجه می‌نماید آن است که در همه معانی لغوی، به شکلی با معنای اصطلاحی در فقه اسلامی تناسب مستقیم برقرار است، به‌طوری که به نظر برخی از صاحب‌نظران دینی (ر.ک: کرکی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۷؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۸۷، طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۸۶)، احسان سه قسم دارد که دو قسم آن در زندگی دنیا، یعنی هبه و وقف است. «وقف» در فقه، به معنای نگاه داشتن اصل مال و جاری ساختن منافع آن است و برخی دیگر از صاحب‌نظران، در تعریف دیگر از معنای فقهی وقف، آن را عقدی دانسته‌اند که نتیجه‌اش حبس اصل مال و آزاد کردن منفعت آن است (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۶۵؛ ن.ک: نجفی، ۱۴۰۴: ۳، ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴: ۲۴۳) بنابراین، به‌طور کلی، وقف در فقه تحبیس اصل و جلوگیری از نقل و انتقال اصل توسط واقف، موقوف‌علیه و هر فرد دیگر است، چنان‌که از اطلاق عبارات فقها همین برداشت می‌شود.

۳-۲. نظارت

در تعریف «نظارت» دانشمندان معانی گوناگونی را ارائه داده‌اند، اما می‌توان گفت در تلقی و زبان فارسی، به معنای تأمل کردن در چیزی، اندازه‌گیری را در نظر داشتن و قیاس کردن، نگرانی، دیده‌بانی به‌سوی چیزی، مباشرت، نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان، عمل ناظر و مقام او و مراقبت در اجرای امور به کار می‌رود

(ر.ک: دهخدا، ج ۱۳: ۱۹۹۴). همان‌گونه که «ناظر» را به معنی حافظ و نگهبان و «نظر» را به معنای ای‌همچون مشاهده، با دقت نگاه کردن، رسیدگی و تفکر، داوری، قیاس، فرمان دادن و نظارت کردن تفسیر نموده‌اند. در این پژوهش، مقصود از نظارت، نظارت استطلاعی است که ناظر موظف است تنها از وضعیتی که مجریان انجام می‌دهند، اطلاع یابد. سپس بدون آنکه خود اقدام عملی کند و نحوه اجرا را تأیید و یا رد کند، آنچه را مشاهده کرده به مقام دیگری گزارش دهد. این‌گونه نظارت صرفاً جنبه آگاهی‌یابی دارد و آگاه شدن بر امور مربوط به موقوفات از عایدات و مصارف آن است (امامی، ۱۳۴۰، ج ۱: ۸۴).

۳-۳. نهادینه‌سازی

اندیشه نهادی متأثر از دیدگاه‌های مختلفی در زمینه تعامل با محیط است. برخی اندیشمندان معتقدند که نهادی شدن همان عجین شدن با ارزش‌های ماورای ملزومات فنی وظایف جاری است (Selznick, 1957:7) صاحب‌نظران مؤثرترین گونه نظریه نهادی در تحلیل سازمان را نظریه سلزنیک می‌دانند (هچ، ۱۳۸۹: ۱۸۶) که ساختارهای سازمانی را انعطاف‌پذیر و واکنش به محدودیت‌های محیط بیرونی را شکل می‌دهد. مهم‌ترین مفهوم فرایند نهادینه شدن به معنای القای ارزش است (سلزنیک، ۱۹۵۷: ۱۷) که نهادگرایی با القای ارزش، استمرار و پایداری ساختارها را در طول زمان ارتقا می‌بخشد (گرین وود، ۱۳۹۸: ۱۳۳). از همین رو، با تأکید بر محیط به‌عنوان زمینه شکل‌گیری و رشد سازمان، از انطباق سازمان با ارزش‌های محیطی برای به دست آوردن مشروعیت نهادی، تعبیر به نهادی شدن می‌کنند (Selznick, 1949:10). بر همین اساس، نهادی شدن به معنای جذب ارزش شریان‌های حیاتی جامعه به درون فعالیت‌های سازمان‌های نهادی شده است و فرایندی را که طی آن شخصیت متمایز ساختاری سازمان شکل می‌گیرد. ایده رایج برای استفاده از اصطلاح نهادینه‌سازی، قابلیت حیات بلندمدت، یعنی ایجاد یک وضعیت نسبتاً پایدار در طول زمان است. مفهوم مشروعیت به‌عنوان یکی از عوامل تقویت‌کننده نهادی‌سازی برجسته می‌شود. مشروعیت به‌عنوان یک ادراک یا فرض تعمیم‌یافته که اقدامات یک نهاد مطلوب، مناسب در سیستم‌های اجتماعی ساخته‌شده از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و تعاریف هستند، درک می‌شود (Suchman, 1995:4).

برخی دیگر از نظریه پردازان نهادی، درباره فرایند نهادی شدن، این ایده را مطرح می کنند که نهادها در تعامل با نیروهای خارجی خلق می شوند، حفظ و تغییر می یابند (Zucker, 1987: 446) و با تأکید بر جنبه های اجتماعی زندگی سازمانی و تبیین فعالیت های سازمانی به مثابه فعالیت هایی که در جست و جوی کسب مشروعیت اند. در این اندیشه، مشروعیت را به عنوان منبعی برای تعادل و ثبات به شمار می آورند (سلزنیک، ۱۹۹۶: ۲۷۱). رویکرد شناختی و توجه به مشروعیت در نهادگرایی برای درک روابط بین سازمان ها، نهادی شدن را به عنوان فرایندی می دانند که به وسیله آن کنش ها و روابط اجتماعی معین، بدیهی و مسلّم می شوند و حالتی از امور است که در آن شناخت های مشترک، تعریف می کنند که چه چیزی معنادار است و چه کنش هایی ممکن است (Zucker, 1983: 2).

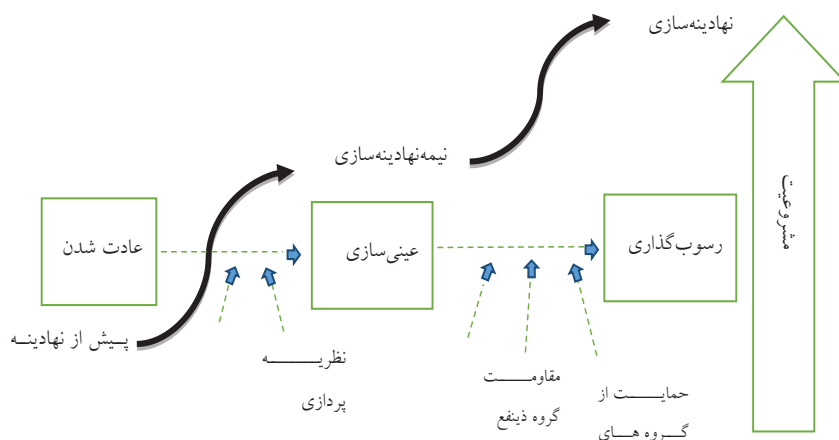
اندیشه نظریه پردازان نهادی، محیط نهادی را در بالاترین سطح نسبت به محیط های فنی و مدیریتی قرار داده است و کارکرد اصلی محیط نهادی را کسب معنا و مشروعیت به سازمان می داند. برخی نظریه پردازان نهادی مدعی اند نهادی سازی که منجر به تقویت مشروعیت و اعتبار می شود، برگرفته از عناصر تنظیمی، هنجاری و فرهنگی _ شناختی است (Scott, 2014: 65). درحالی که نهادینه سازی را می توان به عنوان یک نتیجه در نظر گرفت که در آن تغییرات پایدار شده و تبدیل به یک هنجار می شوند، به طور فزاینده ای به عنوان یک فرایند تحول سیستم استراتژیک توصیف می شود و این فرایند در سطوح متعددی عمل می کند، نیاز به تطبیق پیوسته و بهبود در پاسخ به نیازهای سیستم دارد و مختص به زمینه است (Scott, 2014: 114). از این رو، نهادینه سازی نظارت اجتماعی در موقوفات به عنوان فرایند و نتیجه ایجاد، حفظ و تقویت هنجارها، مقررات و شیوه های استاندارد تعریف می شود که براساس معنا و ارزش های جمعی، اجازه می دهند نظارت اجتماعی در طول زمان به بخشی مشروع و بدیهی از نهاد وقف تبدیل شود.

۳-۳-۱. نگرشی اقتضایی به فرایند نهادینه سازی

در اندیشه نهادی، دو رویکرد عمده شامل فرایند نهادینه سازی خطی و فرایند نهادینه سازی مدور وجود دارد که هر کدام در جای خود محاسن و معایبی دارد. رویکرد اقتضایی جهت نهادینه سازی نظارت اجتماعی و نقش آن در فرهنگ وقف، ایجاب می کند که در این پژوهش فرایندی متناسب با حوزه وقف طراحی گردد. از آنجایی که به زعم برخی اندیشمندان نهادی، بارزترین ویژگی نظریه نهادی سلزنیک عجین شدن و آمیزش ارزش ها با وظایف جاری در نهادهاست (scott, 1995: 18)،

محور اصلی توجه به ارزش‌های محیطی است و این تطابق با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محیط، سازمان را در مسیر تکامل خود ثبات می‌بخشد (scott, 1987: 494). نهادی کردن فرایندی است که سازمان طی آن، دائماً خود را با ارزش‌های داخلی و خارجی عجین می‌کند. بنابراین برای نهادی کردن نظارت اجتماعی، باید آن‌ها را با شبکه ارزش‌های موجود در سازمان اوقاف ادغام و هماهنگ نمود.

نظارت اجتماعی یکی از مصادیق انطباق‌پذیری و تأثیرپذیری نهاد وقف از محیط خود است. در این صورت، سازمان از شکل ابزار به شکل هدف تغییر جهت می‌دهد و حفظ و تداوم ارزش‌های محیطی اساس تداوم حیات سازمان را فراهم می‌آورد. به همین علت، ماهیت اجتماعی نهادی شدن و موضوع نظارت اجتماعی در نهاد وقف بسیار قابل توجه است. نهادی کردن، فراهم کردن زمینه‌هایی است که موجب پایداری، ثبات، تداوم و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب شود. بر همین اساس، باید آنان را به پذیرش نظارت مردمی سوق داد و به مفید و مناسب و مؤثر بودن نظارت مردمی باور داشته باشند. برای ایجاد و القا و تثبیت چنین باوری، باید سیستم‌ها و ساختارهایی برای عینیت بخشیدن به آن باورها در سازمان تأسیس نمود تا افراد سازمان نتایج باور به نظارت اجتماعی را به صورت عینی و واقعی تجربه نمایند. بنابراین یک عمل نهادی باید دارای ویژگی‌های استمرار، فراگیری و واقعیت اجتماعی باشد (سلطانی، ۱۳۷۶: ۷۰). نظریه پردازان نهادی نهادینه‌سازی را به عنوان فرایندی درک می‌کند که به وسیله آن، بازیگران فردی آنچه را که از نظر اجتماعی به عنوان واقعیت تعریف می‌شود، انتقال می‌دهند و به عنوان یک متغیر در نظر گرفته می‌شوند که چگونه یک عمل می‌تواند در یک واقعیت اجتماعی خاص درست در نظر گرفته شود. همچنین این نظریه پردازان فرایند عمومی شدن معنی کنش را «عینی‌سازی» می‌نامند و آن را یک عنصر کلیدی در فرایندهای نهادی شدن می‌دانند. بر همین اساس، یک مدل نهادی در سه مرحله «پیش نهادی، نیمه نهادی و نهادینه سازی کامل» ساختاربندی و با فرایندهای تربیتی «عادت‌پذیری، عینی سازی و رسوب» مشخص می‌شود.



شکل ۲-۳: فرایند نهادینه سازی

الف- پیش از نهادی شدن^۱ (عادت شدن)^۲

در مرحله پیش نهادی، شیوه‌ها، ساختارها و روش‌های جدید به شیوه‌ای مجزا اجرا می‌شوند و راه‌حل‌های اجرا شده از طریق فرایندهای تقلید و ایجاد ساختارهای نسبتاً غیردائمی مورد توجه قرار می‌گیرند. مرحله پیش از نهادینه‌سازی به مشروعیت عمل‌گرایی اشاره دارد. فرایند نهادی شدن به ایجاد ترتیبات ساختاری جدید برمی‌گردد و رسمیت بخشیدن به چنین ترتیباتی در سیاست‌ها و رویه‌های سازمانی را مد نظر قرار می‌دهد (ر.ک: قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۵۷).

ب. نیمه‌نهادی شدن (عینی سازی)^۳

در مرحله نیمه نهادینه‌سازی^۴ شیوه‌ها به‌طور فزاینده‌ای پذیرفته می‌شوند و معانی خاصی که در طول مرحله پیش نهادی به وجود آمده‌اند، فراتر از زمینه خاصی که در آن ظهور کرده‌اند، تعمیم داده می‌شوند. در عینی‌سازی، به‌نوعی از برداشت‌ها، تعبیر و تفاسیر فردی درباره یک عمل کاسته و برداشت‌ها و معانی مشترک جایگزین آن‌ها می‌شود تا در نهایت، منجر به خارج شدن از مقاصد و تعبیر فردی و پذیرش و گردن نهادن به مقاصد، تعبیر و معانی مشترک گردد (ر.ک: ایروانی، ۱۳۷۶: ۷۱-۷۴).

1. Pre institutionalization
2. Habitualization
3. Objectification
4. Semi-institutionalization

ج. نهادی شدن (رسوب‌گذاری)^۱

در طول این مرحله، رفتارها و معانی در منطق نهادی استحکام می‌یابد و منجر به ایجاد انعطاف‌پذیری و پویایی می‌گردد. چون هر نهادی تبلور معانی در اشکال عینی است و زمانی که کنش کیفیت برونی بودن به خود می‌گیرد، رسوب‌گذاری رخ می‌دهد. هرچقدر درجه عینیت و برونی بودن یک کنش افزایش یابد، درجه نهادی شدن افزایش می‌یابد (تسلیمی، ۱۳۸۲: ۹). برخی نظریه‌پردازان نهادی مدعی هستند که نهادینه‌سازی کامل، بر تداوم تاریخی ساختار و به‌ویژه بر بقای آن در میان نسل‌های اعضای سازمان استوار است (Tolbert&Zucker, 1996:84).

۳-۲. سازه اصلی تئوری نهادی

پیش‌تر استدلال شد که ایجاد، تغییر و اشاعه نهادها نیازمند مشروعیت است. همچنین نظریه‌پردازان نهادی مشروعیت را به‌عنوان سازه اصلی تئوری نهادی به شمار می‌آورند که ثبات معنا را در رفتار اجتماعی فراهم می‌کند (Scott, 1995:33)، زیرا مشروعیت نهادی یک ویژگی زمینه‌ای است و مکانیزم‌های رسمی مشروعیت‌یابی مثل ساختار، استانداردها و رویه‌ها، برای مقابله با تهدیدات حفظ مشروعیت به کار می‌روند، پس نهادی شدن با ویژگی مشروعیت‌زایی همراه است. از دید برخی نظریه‌پردازان اندیشه نهادی، نهادی شدن یک فرایند شناختی است (Zuckre, 1983:25). بر همین اساس، تئوری نهادی در جست‌وجوی تبیین، اتخاذ و استمرار اعمال، اعتقادات و ساختارهایی است که با انتظارات هنجاری برای مشروعیت تطبیق می‌یابند. تئوری نهادی بر این ایده استوار است که مشروعیت یک فرایند اجتماعی بنیادی است، اما باید به خاطر داشت که مشروعیت زمینه‌مدار^۲ است (قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۶). از این‌رو، مشروعیت و نهادینه‌سازی عملاً مترادف خواهند بود (Suchman, 1995:4). با توجه به اتخاذ رویکرد تطبیقی متناسب با موقوفات، توجه به بُعد فقهی مشروعیت نظارت اجتماعی در موقوفات اهمیت فراوانی دارد و همواره مهم‌ترین راهکار برای جلوگیری از کژمنشی، نظارت بر حسن فعالیت‌های ازپیش‌تعیین‌شده به‌وسیله واقف است. به بیان دیگر، حفظ امنیت وقف و موقوفه براساس مصلحتشان، وظیفه حاکمیتی است و دولت اسلامی و ولی فقیه باید سازوکار نظارتی طراحی کند تا این مصالح در معرض اتلاف و یا ناکارآمدی قرار نگیرد. از این جهت، نهاد وقف باید نظارت شود (جهانیان، ۱۳۹۹: ۳۹۹). بنابراین

حفظ مصالح موقوف علیهم از وظایف ولی فقیه و دولت اسلامی است و مستلزم آن است که ولی فقیه و دولت اسلامی نظارت کنند تا جلوی ناکارآمدی‌های ناشی از نهاد وقف را بگیرند.

هماره حفظ موقوفات یکی از دغدغه‌های فقها در طول تاریخ بوده است و همه فقها در فتاوی خود، براساس قاعده فقهی «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹: ۱۳۳)، استناد نموده‌اند که هیچ کس حق دخالت در وقف را ندارد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۳۰). اگر شروط واقف با معیارهای عقلی، شرعی و قانونی لازم سازگار باشد، مخالفت با شرط واقف جایز نیست (جهانیان، ۱۳۹۹: ۲۲۱). از آنجاکه تعیین ناظر یکی از مهم‌ترین سازوکارهای نظارت است، برخی فقهای برجسته در اندیشه فقهی خود، به حق واقف در نظارت پرداخته‌اند و با دغدغه پایداری موقوفات، نظارت استطلاعی حاکم بر تمامی موقوفات را براساس مبنای حسیه قابل دفاع می‌دانند. از طرفی، برخی فقها نظارت بر موقوفات را از باب وجوب مقدمی می‌دانند و نظارت استطلاعی، مقدمه اقدام حکومت برای عمل به وظایفش در موارد حیث و میل اموال موقوفات است که منافاتی با قاعده تسلیط «الناس مسلطون علی اموالهم» ندارد (امامی، ۱۳۹۳: ۸۰).

پس از بررسی تطبیقی مبانی فقهی نظارت اجتماعی در نهاد وقف، امکان نظارت مردمی بر موقوفات، براساس مبانی شرعی اثبات گردید. مردم می‌توانند بر موقوفات نظارت استطلاعی داشته باشند تا نیت واقفین حاصل گردد و استفاده سازمان اوقاف از ظرفیت‌های مشارکت اجتماعی مردمی در امر نظارت منافاتی با شرع ندارد. همچنین براساس نظریه نهادی که مشارکت مردمی را منجر به مشروعیت می‌داند، به معنای نوعی ادراک نسبت به کارآمدی مطلوب نهاد است که منجر به افزایش رضایتمندی و اعتماد عمومی می‌گردد. با توجه به نگرش تطبیقی نسبت به محوریت مبانی فقهی و استفاده از ظرفیت‌های نظریه نهادی در زمینه نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی در موقوفات، از حیث مسائل فقهی، مشروعیت موقوفات از جانب احکام الهی است و صرف حضور و مشارکت مردمی منجر به مشروعیت اقدامات نمی‌شود. لذا در این پژوهش، از مشروعیت متخذه نظریه نهادی، تعبیر به مقبولیت می‌شود و متناسب با آن، ماتریس ذیل طراحی شده است.

مقبولیت		تأثیر
کم	زیاد	
تجسس المنفعه	تسبیل المنفعه	مشاركة
تضييع المنفعه	تغيير المنفعه	

شکل ۲-۵: ماتریس نگرش اقتضایی به تئوری نهادی

براساس استدلال‌های پیشین، به ظن قوی، تسبیل المنفعه به عنوان کارکرد اساسی وقف در تحقق مشروعیت موقوفات، برجسته‌ترین عامل در مانایی فرهنگ وقف است و آن حالتی است که مشروعیت اقدامات، یعنی انطباق عملکرد با احکام شرعی در بالاترین حد و مقبولیت، ثمره رویکرد نهادی به نظارت و به معنای مشارکت و همراهی مردم در کلیه اقدامات مرتبط با وقف صورت بگیرد. در طرف مقابل، بدترین وضعیتی که متناسب با این ماتریس می‌توان در نظر گرفت، جایگاهی است که مشروعیت اقدامات یعنی انطباق عملکرد با احکام شرعی در کمترین میزان و همچنین مقبولیت به معنای مشارکت مردمی هم در پایین‌ترین حد باشد که این حالت منجر به تضییع المنفعه یعنی کژکارکردی در فرایند نهادی وقف می‌گردد. این وضعیت نقطه مقابل تسبیل المنفعه است و در این صورت، کارکرد اصلی نهاد وقف محقق نمی‌گردد.

۴. روش پژوهش

جهت پاسخ به سؤالات این پژوهش، با توجه به اهداف غایی تحقیق، از روش تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین استفاده شده است. تحلیل مضمون یک روش تحلیل کیفی قابل توجه، قوی و پرکاربرد است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل قابل استفاده است (عابدی جعفری، تسلیمی، شیخ‌زاده، ۱۳۹۰) که برای تحلیل داده‌های متنی و شناسایی الگوها و مضامین موجود در داده‌ها به کار می‌رود و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۷). از همین رو، تحلیل مضمون فرایندی است که در اکثر شیوه‌های کیفی به کار می‌رود (شیخ‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۴).

۴-۱. فرایند تحلیل شبکه مضمون

فرایند تحلیل مضمون در این پژوهش، شامل سه مرحله کلان شکستن و کاهش متن، بررسی و کاوش متن و ادغام و یکپارچه سازی بررسی ها و کاوش ها است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۴). در حالی که همه این مراحل با تحلیل و تفسیر همراه است، در هر مرحله از تحلیل سطح بالاتری از انتزاع به دست می آید. شروع این فرایند زمانی است که پژوهشگر به دنبال شناسایی الگوهای معانی و موضوعات مورد علاقه در داده ها است که ممکن است این کار در طول جمع آوری داده ها اتفاق بیفتد. نقطه پایان این فرایند تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها است. این فرایند، یک فرایند خطی نیست، بلکه به صورت یک فرایند رفت و برگشتی در مجموع داده ها است.

۴-۲. جامعه مورد مطالعه

یکی از مهم ترین و اصلی ترین قسمت های هر کار پژوهشی، جمع آوری اطلاعات از خبرگان آن موضوع است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش جمعیت صاحب نظری است که مطالعه بر روی آن ها صورت می گیرد و در نمونه گیری احتمالی، سعی شده به تجربیات و سمت اجرایی آن ها نسبت به فرهنگ وقف توجه در خوری صورت گردد. با پنج شخصیت علمی صاحب نظر و دارای کتاب در حوزه وقف، دوازده شخصیت علمی صاحب سمت و جایگاه در رده های بالای اجرایی، از مدیرکل تا معاون برنامه ریزی سازمان اوقاف، و همچنین پانزده خیر و واقف مرتبط با سازمان اوقاف و فرهنگ وقف، مصاحبه براساس معیار خبرگی انجام شد، تا مضامین مشترک، ایده ها و الگوهای معنایی که مکرراً مطرح است، شناسایی شود و مورد توجه قرار گیرد.

۴-۳. روش جمع آوری داده ها

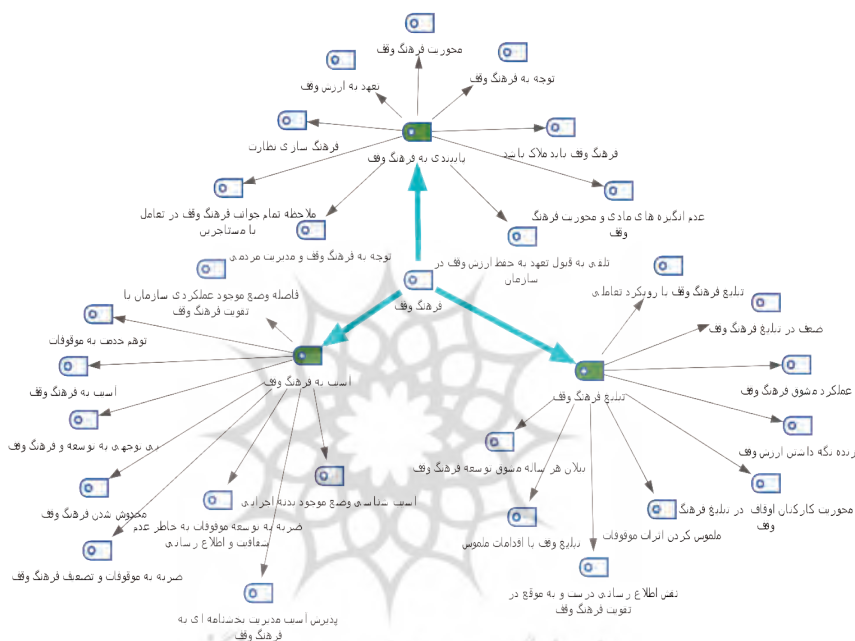
در این پژوهش، شیوه اصلی گردآوری اطلاعات، مصاحبه با خبرگان است و از مصاحبه نیمه ساختاریافته به عنوان بهترین شیوه گردآوری داده ها در پژوهش های کیفی استفاده شده است. در همین راستا، مصاحبه با اساتید و صاحب نظران سیاست گذاری، نظریه نهادی و مدیران و مجریان باتجربه و موفق در عرصه مدیریت موقوفات، با هدف بررسی نحوه دستیابی به الگوی نهادهای سازی نظارت اجتماعی در موقوفات انجام گردید.

۴-۴. روش تجزیه و تحلیل داده ها

در فرایند تحلیل مضمون، با توجه به اهداف و سوالات تحقیق، می توان از ابزارهای مناسب آن استفاده نمود که ابزار کاربردی مورد استفاده در این پژوهش، شبکه مضامین است. برای سنجش

روایی تحقیق حاضر، علاوه بر اینکه مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و اصلی و فرعی، با مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق و اهداف تحقیق انتخاب شدند، نظرات گروهی از خبرگان نیز در این خصوص لحاظ شده است. قابلیت اعتماد یا پایایی تحقیق در مراحل پایانی اجرای تحقیق به انجام می‌رسد. در این تحقیق، از روش هولستی برای محاسبه پایایی تحقیق استفاده شده است.

۴-۵. تشریح شبکه مضامین فرهنگ وقف



شبکه مضامین فرهنگ وقف

مضمون فرهنگ وقف مضمون فراگیر است که از براین مضامین سازمان‌دهنده‌ای چون پابندی به فرهنگ وقف، تبلیغ فرهنگ وقف و آسیب به فرهنگ وقف تشکیل شده است. در این پژوهش، فرهنگ وقف به عنوان روح حاکم بر کلیه فرایند وقف و سپهر معنایی نهاد وقف به شمار می‌رود. یکی از مضامین سازمان‌دهنده که از مضامین پایه به دست آمده، مضمون پابندی به فرهنگ وقف است که بیان‌کننده میزان اهتمام سازمان اوقاف در فرایندهای موقوفات نسبت به فرهنگ وقف است. مستندات به دست آمده از مصاحبه‌ها حاکی از این امر است که سازمان اوقاف نسبت به فرهنگ وقف هیچ گونه واقعی نمی‌نهد و آن را جزو اولویت‌های اصلی قرار نداده است. برخی مستندات به دست آمده مرتبط با این مضمون از میزان مصاحبه‌ها بدین شرح است:

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	متن
پایبندی به فرهنگ وقف	فرهنگ وقف رکن اصلی	اولویت کار فرهنگی	فقط پول گرفتن که ملاک نیست و اصل آن کار فرهنگی است که قرار است انجام بشود.
		ملاک بودن فرهنگ وقف	در حالی که در آنجا اگر سیاست فرهنگ وقف را داشته باشی، کاری به اجاره نداشته باش و اجاره را خیلی ملایم همان طور که تابه حال در بازار بوده افزایش بده.
		محوریت فرهنگ وقف	خدمت می کنید به اینکه فرهنگ وقف به حاشیه نرود. من به فرهنگ وقف اعتقاد دارم.
		محوریت فرهنگ وقف	فرهنگ وقف کماکان جایگاه خودش را داشته باشد.
	ماندگاری فرهنگ وقف	فرهنگ ماندگار	فرهنگ وقف ماندگارترین است.
		عدم پایبندی به ارزش فرهنگ وقف	وقتی که این قدر فرهنگ وقف می تواند خوب باشد، چرا با روش های دیگر فراری بدهیم؟
		ماندگارترین احسان	می دانستند که ماندگارتر از همه همین وقف است و به سمت وقف می آمدند.
	به کار بستن فرهنگ وقف	ملاحظه تمام جوانب فرهنگ وقف در تعامل با مستأجرین	اگر آن رئیس و مدیر کل ناشی باشد و بخواهد در زمان خودش بگوید من درآمد موقوفات را ۵ برابر کردم، ۱۰ برابر کردم، و بیلان بدهد این بسیار بسیار کار اشتباهی است.
		ملاحظه تمام جوانب فرهنگ وقف در تعامل با مستأجرین	صاحب خانه ای که خیلی مستأجرش را اذیت کند خوب نیست. مستأجری که می دانی درآمدش این است و یک فیش دارد، برو ببین و مستأجر هم در موقوفه نشسته است و این با کسی که پول دار است تفاوت دارد. مستأجری که ضعیف است باید مال الاجاره بر مبنای توان او باشد نه اینکه بگویی نمی توانی، برو جای دیگری. این حرف بدی است.

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	متن
پایبندی به فرهنگ وقف	تعهد به فرهنگ وقف	پذیرش تعهد به ارزش وقف	این تعهد به ارزش وقف را باید این‌ها اول قبول بکنند که فرهنگ وقف نباید با این بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها تحت‌الشعاع قرار بگیرد.
		تعهد به ارزش وقف	آموزش به‌عنوان سازوکاری برای تحقق تعهد افراد است.
	توجه به فرهنگ وقف	بی‌توجهی به فرهنگ وقف	آن‌ها نروند سراغ همین قضایایی که این‌ها (سازمان) دارند انجام می‌دهند. درآمد را ببر بالا ببینم چه کار می‌کنی و بعد هم انگیزه بگذارند، اگر درآمد را ببری بالا، این قدر درصد از آن هم برای خودت.
		ملاک عمل باید فرهنگ وقف باشد	اگر واقعاً جایی تشخیص دادند که این کار به مصلحت فرهنگ وقف نیست، آن‌ها می‌توانند مخالفت کنند.
		توجه به فرهنگ وقف و مدیریت مردمی	این‌ها خودشان می‌توانند به‌صورت مجموع در یک شهر به شما آمار بدهد که واقعاً این‌ها این قضیه فرهنگ وقف و مردمی بودن را اجرا می‌کنند یا نه. روی روش‌هایش ممکن است اختلاف نظر باشد، ولی شدنی است.
		توجه به فرهنگ وقف	فرهنگ وقف که ماندگارتر از قدرت من و دیگران است و این‌ها باید به این موارد توجه بکنند، یعنی فرهنگ وقف پیشینه‌اش هزاران سال است در همه فرهنگ‌ها و وقف و موقوفات در همه ادیان الهی بوده است و حیف است که خدای‌ناکرده این فرهنگ بخواد تضعیف بشود و شخصی نباید فکر بشود و برای فرهنگ وقف می‌تواند حتی اگر اختیاراتشان هم کم بشود، به‌خاطر فرهنگ وقف اشکال ندارد.

مضمون سازمان‌دهنده دیگری که از کدهای مصاحبه‌ها به دست آمده، مضمون تبلیغ فرهنگ وقف است که بیان‌کننده نقش سازمان اوقاف در تبلیغ و ترویج فرهنگ وقف و اهمیت این امر است. یکی از آسیب‌هایی که اثرات سوء آن در درازمدت خود را نشان می‌دهد این است که سازمان اوقاف نه تنها پایبندی به فرهنگ وقف نداشته، بلکه نقش مؤثری در تبلیغ و ترویج این سنت حسنه نیز ایفا نمی‌کند. برخی مستندات به دست آمده مرتبط با این مضمون از مصاحبه‌ها بدین شرح است:

مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه	کد اولیه	متن
تبلیغ فرهنگ وقف	تبلیغ عملکردی	تبلیغ وقف با عملکرد مناسب	مردم هم وقتی به هم بگویند، حالا اوقاف ده تا مصاحبه بکند، ده تا روزنامه داشته باشد، در تلویزیون مصاحبه بکند، فایده‌ای ندارد.
		عملکرد مشوق فرهنگ وقف	وقف چون خیر است، باید به گونه‌ای عمل کنند که مردم نسبت به فرهنگ وقف تشویق بشوند. الآن خروجی سازمان اوقاف خوب نیست.
	انعکاس ثمرات وقف	تبلیغ وقف با اقدامات ملموس	اوقاف به جای تبلیغ صوری، اولین تبلیغش می‌تواند این باشد که مردم اقدامات اوقاف را به چشم ببینند. اینکه مثلاً در دهه وقف بیایند و سخنرانی بکنند، این گویا نیست. ولی وقتی که ببینند همه به هم می‌گویند در موقوفات یک همچنین چیزهایی هست و من خودم دیدم و شنیدم مثلاً که فلانی که مضطر بود، خیلی ملایم اداره اوقاف هزینه دارو و درمان او را داد و مثلاً دانش آموز بدون اینکه بدانند، هزینه لباس او را داد. موقوفاتی که زیاد تنوع دارد. منظور این است.
		ملموس کردن اثرات موقوفات	اثرات موقوفه ملموس شود.
		بیان هر ساله مشوق توسعه فرهنگ وقف	این را باید هر سال بیان بدهند. اصلاً یک تشویق اوقاف همین است. وقتی مردم ببینند این قدر کار خیر تنوع دارند، می‌گویند چقدر خوب است، چه کارهایی اداره اوقاف انجام می‌دهد، چه برنامه‌هایی! چقدر عالی! حالا یکی از یک مصرف خوشش می‌آید، می‌گوید خیلی خوب. وقتی می‌بینم این قدر قشنگ دارد مصرف می‌شود. ثمرات موقوفه نشان داده شود. آن وقت این می‌گوید چه مصرف خوبی! علم و دانش.
	تبلیغ همه جانبه	تبلیغ فرهنگ وقف با رویکرد تعاملی	قطعاً اگر این گونه باشد، آن‌هایی که مستأجر موقوفه هستند تبلیغ هم می‌کنند و می‌گویند موقوفه ترسی ندارد و خیلی هم خوب است. ما هم می‌دانیم نیت خیر است و اداره اوقاف هم اجاره‌اش را متعادل بالا می‌برد و متناسب با توان مستأجر بالا می‌برد.

مهم‌ترین مضمون سازمان‌دهنده مرتبط با فرهنگ وقف که از مضامین پایه به دست آمده، مضمون آسیب به فرهنگ وقف است که بیان‌کننده آسیبی است که سازمان اوقاف به آن دچار شده و منجر به کارکرد منفی یا به‌نوعی کژکارکرد برای این نهاد گردیده است. برخی مستندات به دست آمده مرتبط با این مضمون از مصاحبه‌ها بدین شرح است:

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کداولیه	متن
آسیب به فرهنگ وقف	فقدان اهتمام به فرهنگ وقف	بی‌توجهی به فرهنگ وقف	مأموریت‌های اساسی سازمان از حفظ عین شروع می‌شود. ما وقف را مفروغ‌عنه گرفتیم که وقف می‌شود. ما با فرایند وقف خیلی کاری نداریم. هرچند این از وظایفی است که در معاونت فرهنگی باید پیگیری بشود، ولی فعلاً به آن کاری نداریم و ما فعلاً بحثمان از جایی است که وقفی ایجاد شده و تولیت این وقف با سازمان اوقاف است.
		لطمه به فرهنگ وقف	وقف خوب است، ولی چه فایده که این‌طور عمل می‌کنند که فرهنگ وقف لطمه می‌خورد.
	اضرار به وقف	توهم خدمت به موقوفات	سازمان اوقاف فکر می‌کند با اینکه هر سال اجاره‌های موقوفه را ببرند بالا، به موقوفات خدمت می‌کنند، درحالی که خلاف این است و اگر ناشی باشی، شروع می‌کنی اجاره این‌ها را تندتند بالا بردن، سال به سال. وقتی که این رفت بالا، بازاری‌ها می‌گویند ملک موقوفه به درد نمی‌خورد، چون اوقاف هر ساله اجاره را بالا می‌برد.
		توهم خدمت به موقوفات	وقتی که مغازه را انتقال بدهد، ده درصد به سازمان اوقاف می‌رسد، درحالی که سازمان اوقاف اجاره را بالا می‌برد و می‌خواهد خدمت کند، درحالی که متولی که دلسوز بوده می‌گوید این کار بدی که اوقاف کرد، اوقاف آمده دلسوزتر از آن شده و این افراد ناشی که سرکار آمده‌اند فقط ظاهر قضیه را می‌بینند، درحالی که کارشناسان قدیمی می‌گفتند بگذارید ما با روش ملایم اجاره‌ها را افزایش بدهیم تا نقل و انتقال رونق بگیرد. چون کسی نمی‌گوید اوقاف اذیت می‌کند و اجاره‌اش به گونه‌ای نیست که فرد اذیت بشود.
		ضربه به موقوفات	با این کارها که اسم آن را دوستی می‌گذارند، چون ناشی‌اند. ضرری که به موقوفات به لحاظ نقل و انتقال در این سال‌ها وارد شده است این است که ناشیانه اجاره‌ها را دارند بالا می‌برند.

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	کد اولیه	متن
	قهر مردم با فرهنگ وقف به علت عملکرد نامناسب	فراری دادن از وقف	درآمد را به مصرف نیت واقف نمی دهد و خودش هر طور که بخواهد هزینه می کند و این ها همه فراری دادن است.
		روی گردانی مردم از وقف	اما اگر به همین نحو باشد، مردم یواش یواش زده می شوند و سعی می کنند دیگر وقف نکنند و می روند سراغ سیستم خیرین و خیریه و مدرسه سازی که غیر حالت وقف است و این به خوبی وقف نیست. وقف خوب است، ولی چه فایده که این طور عمل می کنند که فرهنگ وقف لطمه می خورد.
		واگرایی از وقف به خاطر عملکرد نامناسب	اگر خوب عمل می کردند، تعداد موقوفات جدید ۱۰ برابر این رقم ها می شد و تمام این خیرینی که در شاخه های مختلف غیر وقف رفتند، این ها اگر خوب عمل می شد، می دانستند که ماندگارتر از همه همین وقف است و به سمت وقف می آمدند.
آسیب به فرهنگ وقف	ضربه های غیر قابل جبران توسط سازمان اوقاف	آسیب های وارد شده توسط سازمان اوقاف	آسیبی که سازمان اوقاف دارد در نقل و انتقال موقوفات می زند، اثرات آن در درازمدت معلوم می شود.
		فصل شدن انتقال موقوفات	در بازار پدر بازار را در آوردند و نقل و انتقال موقوفات قفل شده و این ها مواردی است که متولی برای من گفته است. از این امین ها در بازار گذاشتند و این ها هم به دل خودشان کار می کنند و درست است که این را با شناخت پیدا کرده اند و او را قبول دارند، اما وقتی کسی چیزی بلد نیست، در کار موقوفات بازار نظارت می کند و می گوید اجاره ها باید ۲۰ برابر شود و بعد بین مردم مطرح شده که باعث قفل شدن نقل و انتقالات موقوفات بازار شده است.
		آسیب به فرهنگ وقف	به امین ها گفته اند که هر چه درصد اجاره موقوفات را بالا ببری، حقوقت بیشتر می شود و این خیلی بدتر است و این امین می گوید من ۳ سال بیشتر نیستم، به مردم فشار می آورد و اجاره ها را بالا می برد و درصدها را می گیرد، اما فرهنگ وقف را این در آن منطقه خراب کرده است. چون مردم به هم می گویند که مثلاً امین اوقاف آمد و اجاره ها را به شکل نامتعارفی بالا برد و این مستأجر هم چاره ای ندارد و باید بدهد و این امنا که می توانست خوب باشد، تبدیل به یک امر منفی شده است.

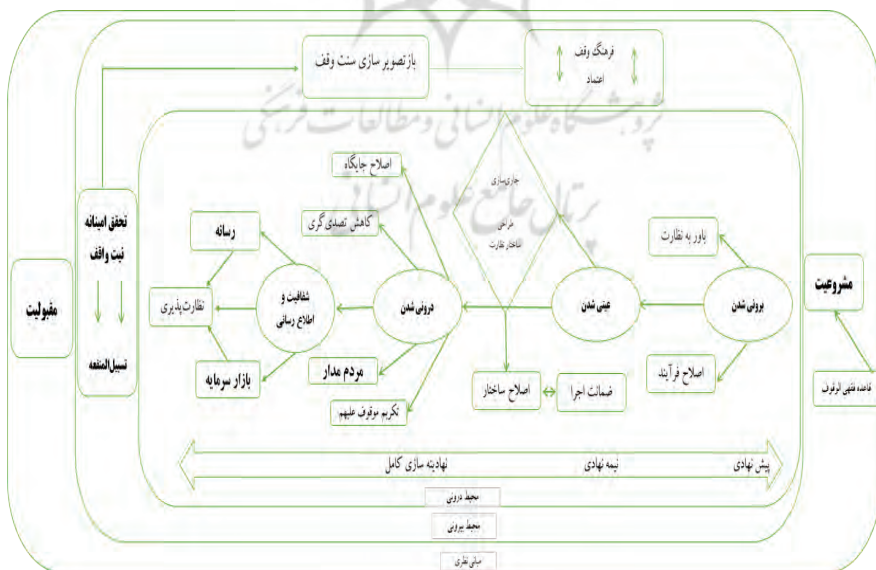
مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کداولیه	متن
آسیب به فرهنگ وقف	آسیب‌های اقتصادی عدم پایداری به فرهنگ وقف	تضعیف فرهنگ وقف	ضربه به موقوفات بزند و فرهنگ وقف را تضعیف کند. چون این‌گونه کارها فرهنگ وقف را تضعیف می‌کند.
		ضربه به توسعه موقوفات	همین که می‌گویند وقف نمی‌کنیم و این ضرب در تعداد زیادی می‌شود.
	محور بودن فرهنگ وقف	دوراندیشی در به‌روزرسانی اجازات	خود وصول مال‌الاجاره این یک روشی دارد که اگر آن رئیس و مدیرکل ناشی باشد و بخواهد در زمان خودش بگوید من درآمد موقوفات را ۵ برابر کردم، ۱۰ برابر کردم و بیلان بدهد، این بسیار بسیار کار اشتباهی است. چرا؟ چون شما اگر مستأجرین موقوفات که زیاد هم هستند و این‌ها یک عمری مستأجر خواهند بود و زمین موقوفه دائم درآمد دارد و شما اگر بخواهی در ۵ ساله خودت، یک‌شبه ره صدساله را بروی و بگویی قبلی‌ها کم می‌گرفتند و من باید این قدر برابر بکنم و حتی مطابق این تورم که افسار گسیخته است.
			که پیامد آن بخشنامه‌ها نه‌تنها منجر به زنده نگه داشتن فرهنگ وقف و پایداری به آن نیست، بلکه فرهنگ وقف را که زنده نگه نمی‌دارد، هیچ، بلکه بدتر مخدوش می‌کند. چرا؟ چون نمی‌داند. یعنی آموزش ندیده و درمورد فرهنگ وقف مطالعه نکرده است و نمی‌داند کشورهای دیگر هم موقوفات دارند.
			اول قبول بکنند که فرهنگ وقف نباید با این بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها تحت‌الشعاع قرار بگیرد.
	آسیب مدیریت ناکارآمد به فرهنگ وقف	آسیب مدیریت بخشنامه‌ای	همین‌هایی که ناشی بودند، آمدند در بازار، پدر بازار را در آوردند.
		ضربه به موقوفات	

۴-۶. ترسیم الگوی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی

این الگو با محوریت فرهنگ وقف به‌عنوان سپهر معنایی نهاد وقف و بررسی نقش هر کدام از عناصر در فرهنگ وقف و تعریف نقش صحیح مردم در مدیریت و نظارت بر موقوفات ترسیم شده است. طبق مبانی نظری این پژوهش، اولین گام الگوی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی، مشروعیت

است که به عنوان ورودی مدل این پژوهش و اولین و ضروری ترین اقدام در راستای افزایش اعتبار نهاد وقف به شمار می آید. در همین راستا، طبق مبانی نظری، وضع مطلوب، مقبولیت سازوکار اداره موقوفات است که یکی از ارکان نهادی شدن سازمان اوقاف و حاصل تحقق وضع مطلوب کنشگری نهاد وقف در عرصه محیط بیرونی، یعنی تحقق امینانه نیت واقف و تسبیل المنفعه است که منجر به نهادینه سازی نظارت اجتماعی می گردد. لذا فرایند طراحی شده در الگوی مطلوب، در راستای تحقق کارکرد اصلی نهاد وقف یا همان تسبیل المنفعه ترسیم می شود. بر این اساس، محتوا و فرایند نهادینه سازی نظارت اجتماعی به عنوان مسیری برای تحقق و بازایی اعتبار سازمان اوقاف است. با استفاده از ظرفیت های نظریه نهادی، توجه به محیط و جذب ارزش های محیطی، یکی از محوری ترین رویکردها است.

بر همین اساس، در فرایند نهادینه سازی نظارت اجتماعی، توجه به ارزش های محیطی اعم از محیط بیرونی و محیط درونی سازمان، در نهادینه سازی نظارت اجتماعی نقش مؤثری دارد که در این بخش، فرهنگ وقف و اعتماد به عنوان ارزش و عنصر محوری در محیط بیرونی نهاد وقف وجود دارد. در بُعد محیط داخلی، ارزش هایی از قبیل اصلاح رویکرد، اصلاح ساختار، اصلاح فرایند، شفافیت و اطلاع رسانی، مردم مداری و یادگیری سازمانی هستند که همگی به عنوان ارزش های محیطی، از عناصر فعال و مؤثر بر فرایند نهادینه سازی نظارت اجتماعی به شمار می آیند.



شکل ۵-۱: الگوی نهادینه سازی نظارت اجتماعی بر موقوفات

۵. نتیجه‌گیری

توجه به مدیریت در نهادینه‌سازی فرهنگ وقف، به‌عنوان یک اصل، همواره حائز اهمیت بوده است. پژوهش‌هایی از این دست درک جدیدی از سرمایه اجتماعی نهاد وقف و نقش آن در تقویت فرهنگ وقف به دست می‌دهد که در پژوهش‌های پیشین به آن توجهی نشده است. مؤلفه‌های گونه‌گونی در ماندگاری و نهادینه‌سازی فرهنگ وقف نقش ایفا می‌کنند که بر این اساس، رویکرد این نوشتار، فرایند نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی را در پویایی فرهنگ وقف واکاوی نموده و راهکارهایی را که به رشد و بالندگی آن مدد می‌رسانند، بررسی نموده است. تحقیق حاضر، پس از تعریف و تبیین مفاهیم کاربردی و بررسی اجمالی از هنجارهای موجود و آسیب‌شناسی وضع موجود مدیریت موقوفات، به تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های نظریه نهادی و ظرفیت‌های آن در مدیریت موقوفات پرداخته و داده‌ها با هدف دستیابی به الگوی نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی، با محوریت عنصر مشروعیت که از اساسی‌ترین رکن‌ها برای تبدیل یک سازمان به نهاد قلمداد می‌شود و نقشی اساسی در ماندگاری فرهنگ وقف دارد، تجزیه و تحلیل شده است. این یافته‌ها مخالف با کار محققان پیشین است که نگاه ابزاری به موقوفات داشتند، بلکه با رویکردی ارزش‌محور، در راستای هدف پژوهش که تقویت فرهنگ وقف از طریق بازآرایی اعتماد مردم با استفاده از ظرفیت نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی است، به نقش مدیریت در استمرار فرهنگ وقف پرداخته است. در همین راستا، سازمان اوقاف می‌بایست برای نیل به این جایگاه، به اصلاح و بازطراحی ساختار اداره موقوفات اقدام نماید تا از این طریق، بتوان با تغییر موازنه از سازمان‌محوری، به سمت مردمی بودن و برجسته‌سازی نقش مردم پیش رفت. اصلاح ساختار و جاری‌سازی نظارت اجتماعی با نقش‌آفرینی و مشارکت مردم منجر به رشد و توانمندسازی فرایند اداره موقوفات می‌شود و با اصلاح ساختار، گام بعدی فرایند نهادینه‌سازی این خواهد بود که این تغییرات درونی و نهادینه‌سازی گردد. بر همین اساس، در آخرین بخش از فرایند نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی، مرحله نهادینه‌سازی کامل است. در این مرحله، از طریق درونی کردن (به معنای اینکه این جهان عینی‌شده را درونی کرده و ساختار ذهنی خودآگاه برای آن تعیین می‌شود) و از طریق اصلاح جایگاه اوقاف، کاهش تصدی‌گری و مردم‌مداری و تکریم موقوف‌علیهم بروز و ظهور می‌یابد. از این‌رو، نهادینه‌سازی نظارت اجتماعی و درونی کردن تغییرات، منجر به شفافیت و اطلاع‌رسانی از طریق استفاده از ظرفیت‌های رسانه و شبکه‌های اجتماعی و بازار سرمایه است که در نهایت، ثمره آن نظارت‌پذیری مدیریت موقوفات، کارآمدی و اثربخشی موقوفات است.

خروجی این الگو در محیط خارجی، تحقق قدسی و امینانه نیت واقف است که مضمون محوری این پژوهش بوده و منجر به تسبیل المنفعه به عنوان کارکرد اصلی وقف و برجسته ترین عامل در مانایی فرهنگ وقف می گردد. براین پایه دو، بازخوردی مستقیم بر بازتصویرسازی و ری برندینگ سازمان اوقاف است که منجر به تقویت فرهنگ وقف و بازیابی اعتبار دوباره سنت حسنه وقف در بین مردم می گردد. در نهایت، خروجی این مدل مقبولیت سازمان اوقاف در نگاه مردمی، پس از نهادینه سازی فرهنگ وقف و نظارت اجتماعی موقوفات در پرتو مردمی سازی و مشارکت مردمی در نظارت بر موقوفات است. با توجه به مطالب یادشده، الگوی نهادینه سازی نظارت اجتماعی در موقوفات از سه سطح برخوردار است که دربرگیرنده سطح مبانی نظری، محیط بیرونی و محیط داخلی است که در شکل (۵-۱) ترسیم شده است. طبق الگوی نهادینه سازی نظارت اجتماعی، خاستگاه اعتبار و اعتماد اجتماعی و مقبولیت اجتماعی، مشروعیت اقدامات است که برگرفته از عمل به فرامین الهی و ائمه معصومین (علیهم السلام) در قالب فقه وقف است.

هرچند صاحب نظران نوین مدیریت نهادی معتقدند که صرف مشارکت مردمی منجر به مشروعیت می گردد، لکن در الگوی نهادینه سازی نظارت اجتماعی، با توجه به نگاه اقتضایی به سنت حسنه وقف، عمل به قواعد فقهی در راستای تحقق امینانه و قدسی نیت واقفین نقش مهم و برجسته ای در تسبیل المنفعه به عنوان کارکرد اساسی وقف در جامعه اسلامی دارد، که خروجی نهایی آن باعث تقویت فرهنگ وقف و افزایش اعتماد عمومی می شود. در ادامه، دیدگاه مردم نسبت به این سنت حسنه تغییر پیدا نموده و باعث می شود مردم به وقف علاقه پیدا کنند و به آن اعتماد نمایند و در عمل در این سنت حسنه مشارکت نمایند. آنان خود را در مقابل احیا و استمرار این سنت حسنه مسئول می دانند و این امر منجر به احساس تکلیف نمودن مدیران مربوطه جهت تحقق منافع موقوفات می گردد. بر همین اساس، پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش آن است که طبق مدل طراحی شده، در صورت پایبندی به مشروعیت در اداره موقوفات و تحقق تسبیل المنفعه به عنوان کارکرد اصلی موقوفات، از طریق تحقق قدسی و امینانه نیت واقفین که در پرتو نهادینه سازی نظارت اجتماعی صورت می پذیرد، زمینه دستیابی به جایگاه مطلوب نهاد وقف، از طریق افزایش اعتماد به نهاد وقف و ارتقای جایگاه وقف در پرتو تقویت فرهنگ وقف فراهم خواهد بود.

بر همین اساس، اولین گام افزایش مقبولیت محیطی برای نهاد وقف، اطلاع‌رسانی به مردم است و اینکه مردم عملاً در سیاست‌گذاری و هدایت موقوفات مشارکت داشته باشند. براساس داده‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد برای تقویت فرهنگ وقف با استفاده از ظرفیت‌های نظارت اجتماعی اقداماتی باید صورت پذیرد. پیشنهادات برای عملیاتی نمودن مدل عبارت‌اند از:

ایجاد نگاه جامع در هدایت و بهره‌وری موقوفات و اصلاح نگاه بخشی و جزیره‌ای در درون سازمان اوقاف: مثلاً یک بخش خود را مسئول درآمد می‌داند و اجرای نیت وقف، فرهنگ وقف و موقوفات جدید را به خود مرتبط نمی‌داند. در صورتی که اگر به موقوفه به‌عنوان یک شخصیت حقوقی و مستقل نگریسته شود، در درون موقوفه همه این موارد باید باهم نگریسته شود و کسی که به فکر درآمد موقوفه است، هم‌زمان باید به فکر اجرای نیت و بهره‌مندی موقوف‌علیهم نیز باشد و هم‌زمان باید به این نکته توجه داشته باشد که براین اقدامات او چه تأثیری در فرایند نهادینه‌سازی فرهنگ وقف دارد.

۱۱۵

- آموزش‌های فنی و تخصصی در زمینه ترویج فرهنگ وقف و بهره‌وری موقوفات، جهت آشنایی با مهارت‌های مدیریت موقوفات، فرهنگ وقف، مبانی و اصطلاحات فقهی و قانونی؛
- عمل امینانه به نیت واقف، به‌عنوان مهم‌ترین راهکار برای تقویت سرمایه اجتماعی نهاد وقف؛
- مدیریت متناسب با اقتضای موقوفات و مواجهه اقتضایی متناسب با ارزش فرهنگ وقف؛
- در وضعیتی که برند سازمان اوقاف مخدوش است، باید طراحی رسانه‌ای در اصل تصحیح انگاره و تلقی و تفسیر از سازمان اوقاف در قالب ری‌برندینگ سازمانی طراحی شود. قبل از اینکه از مردم خواسته شود نظارت کنند، بازتصویرسازی سازمان اوقاف باید صورت گیرد و تا آن موضوع درست نشده، نظارت و مرجع نظارت نخواهد شد.
- برای ترغیب نظارت‌های مردمی، فوری‌ترین کار این است که با کمک رسانه‌ها، جایگاه و چهره و برند مخروبه سازمان اوقاف درست شود و این مهم‌ترین کار برای گام بعدی، یعنی همان نظارت است.
- به موقوفه مانند یک بنگاه اجتماعی نگریسته شود که هدفش این است که ارباب وقف یا همان موقوف‌علیهم، به بهترین وجه از منافع موقوفه منتفع شوند و موقوفه به مصرف ایشان برسد.
- تغییر رویکرد بهره‌وری موقوفات: در حال حاضر، بهره‌وری موقوفات را در صرف افزایش درآمد به هر قیمت می‌دانند، در صورتی که این امر می‌تواند درآینده آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای فرهنگ وقف داشته باشد.

منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، محقق: مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول.
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان □ سوریه، دارالعلم - الدار الشامیه، چاپ اول.
۴. ایروانی، محمدجواد، ۱۳۷۶، *تحلیل و تبیین نهادگرایی در فعالیت های جهاد سازندگی*، پایان نامه دکتری رشته مدیریت، دانشگاه تهران.
۵. امامی، مسعود، ۱۳۹۳، دخالت حاکم در تولیت و نظارت بر موقوفات، *کاوشی نو در فقه*، زمستان ۱۳۹۳، ش ۴.
۶. امامی، سید حسن، ۱۳۴۰، *حقوق مدنی*، ج ۱، تهران، نشر اسلامیه
۷. استرم، الینور، ۱۳۹۴، *فهم تنوع نهادی*، ترجمه سید جمال الدین محسنی زنوری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. تسلیمی، محمدسعید، میرزایی اهرنجان، حسن، ۱۳۸۲، طراحی و تبیین مدل دیالکتیکی نهادی شدن سازمان، *فصلنامه دانش مدیریت*، شماره ۶۳.
۹. ترابی شهرضای، علی اکبر، ۱۳۹۷، نقش ولی امر در اوقاف از منظر فقه حکومتی (تولیت و نظارت بر اوقاف)، *نشریه گفتمان فقه حکومتی*، سال دوم، شماره سوم.
۱۰. جهانیان، ناصر، ۱۳۹۹، *فقه وقف و چالش های آن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۳ق، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۷۷، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. ریستون گرین وود و همکاران، ۱۳۹۸، *نظریه نهادی در مطالعات سازمان*، ترجمه محمدرضا آهنی، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۴. سلطانی تیرانی، فلورا، ۱۳۷۶، تبیین الگوی مناسب نهادی کردن بهبود و نوآوری در صنایع، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۱۵. شیخزاده، محمد، بنی اسد، رضا، ۱۳۹۹، *تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها*، تهران، نشر لوگوس
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، سید محمدتقی کشفی، تهران، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.

۱۷. کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین عاملی، ۱۴۱۴ق، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)
۱۸. عابدی، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، شیخ‌زاده، محمد، ۱۳۹۰، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم.
۱۹. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ۴ جلد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸، *ملاحظات سیاست‌گذاری وقف در ایران: سیر تحول نهاد وقف در ایران اسلامی تا پیش از نهضت مشروطه*.
۲۱. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ۴۳ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۲. هج، مری، جوکانلیف، آن ال، ۱۳۸۹، *نظریه سازمان: مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن*، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران، مؤسسه نشر مهربان، چاپ دوم.
- ۲۳.
۲۴. یاوری، وحید، ۱۳۹۹، *آسیب‌شناسی الگوی درآمدزایی موقت، دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۲۴.
۲۵. یاوری، وحید، ۱۳۹۱، طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان اوقاف و امور خیریه، پایان‌نامه دانشگاه علامه طباطبائی.
26. Braun, v & Clarke, v., 2006, Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101
27. Tolbert PS, Zucker LG, 1996., *The institutionalization of institutional theory*. In: *Studying organization: theory & method*. London: SAGE Publications Ltd;.
28. Suchman, M. C. 1995, Managing legitimacy: strategic and institutional approaches. *Academy Management Review*, 20(3), 571-560
29. Scott WR. 2014, *Institutions and organizations. Ideas, interests, and identities*. 4th edition. Los Angeles, London, New Delhi, Singapore, Washington DC: SAGE;., p. 161-2.
30. Scott Richard, 1995, *Institutions and Organization*, sage Publication Inc,
31. Selznick, Philip, 1957, *Leadership in Administration*. New York: Harper & Row.
32. Selznick, p., 1996, »Institutionalism 'Old' and 'New' , *Administrative Science*

Quarterly, Vol.41, pp.270-277,

33. Selznick , p., 1949, *TVA. And the Grass – Roots*, Berkeley ,Ca, University of California Press 1949

34. Zucker,L.G, 1983, *Organizations. In Advances in Organizational Theory and Research*,ed, S.B. Bacharach,pp1-14.

35. Zucker,L.G, 1987, *Institutional Theories of Organizations*.*Annual Review of Sociologie*, 13.

